

فصلنامه تخصصی کودک، نوجوان و رسانه

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

زمستان ۱۳۹۱، شماره ۶، صفحه ۳۴

بررسی عوامل خانوادگی؛ آموزشگاهی و رسانه‌ای مؤثر بر توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان از دیدگاه دبیران

سیف اله فضل الهی قمشی*

منصوره ملکی توانا**

// چکیده

هدف تحقیق حاضر، شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان از دیدگاه دبیران و روش تحقیق علاوه بر تحلیل اسنادی منابع، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل کل دبیران مدارس راهنمایی ناحیه ۲ قم است که در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ مشغول تدریس بودند که از بین آنان، نمونه‌ای به حجم ۶۰ نفر به صورت تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردید. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه محقق ساخته حاوی تعداد ۲۰ مؤلفه از نوع آرایش رتبه‌ای به همراه یک سؤال باز بود که پایایی آن مطابق آلفای کرانباخ معادل ۸۳/۰ تعیین گردید. تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی اطلاعات مطابق آزمون Z تک گروهی و تحلیل واریانس یک راهه (F) نشان داد: عوامل مختلف خانوادگی، آموزشگاهی و رسانه‌ای در توسعه معنویت و تحکیم ارزش‌های دینی و اعتقادات دانش‌آموزان تأثیر دارند؛ میزان تأثیر عوامل خانوادگی، آموزشگاهی و رسانه‌ای در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان تأثیر دارد؛ همچنین از عوامل خانوادگی، میزان پایبندی پدر و متفاوت است؛ از دیدگاه دبیران، خانواده، بیشتر از آموزشگاه و رسانه‌ها در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان تأثیر دارد؛ همچنین از عوامل خانوادگی، میزان پایبندی پدر و مادر در انجام امور معنوی و شکل‌گیری مناسب آموزه‌های دینی در دوران کودکی، از عوامل آموزشگاهی، تأثیر دوستان و همسالان و شخصیت معلمان و از عوامل رسانه‌ای، توجه به فرهنگ خودی در برنامه‌ها و پخش سریال‌های دینی و تاریخی از مهمترین عوامل اثرگذار در توسعه و تحکیم ارزش‌های دینی شناخته شدند.

کلیدواژگان

ارزش‌های دینی، معنویت، رسانه، کودکان.

// مقدمه

باورهای دینی، اعتقادات، عبادات، توکل و صبر برای دستیابی انسان به آرامش، موفقیت و کاهش اضطراب در ابعاد مختلف زندگی با توجه به فرهنگ و معارف اسلامی، از مؤثرترین روش‌هاست. تلاش برای تربیت و شکل‌گیری شخصیت افراد به ویژه نسل جدید تحت تأثیر عوامل مختلف درونی، بیرونی و حتی عوامل فوق طبیعی قرار دارد. عوامل گوناگون مؤثر در تربیت، هر کدام در جای خود، مهم و دارای درجه خاصی از تأثیر هستند. در این میان، خانواده و مدرسه و رسانه‌ها نقش بسیار برجسته‌تری نسبت به دیگر عوامل دارند. خانواده، نخستین محل تعلیم و تربیت و عرصه آموزش برای تمام افراد است. بخش بزرگی از سلیقه‌ها و علاقه‌مندی‌ها، شخصیت و الگوهای رفتاری افراد در خانواده شکل می‌گیرد. مدرسه، کانونی است که در آن، افراد همراه با تعلیم و کسب معلومات، تربیت می‌شوند. در مدرسه نیز عوامل مختلفی از قبیل برنامه‌های درسی، مواد آموزشی، سازمان مدرسه و امکانات آموزشی آن در امر تربیت مؤثرند، ولی هیچ یک از این‌ها به اندازه معلم، از نظر آموزشی و تربیتی اهمیت ندارند؛ زیرا این معلم است که به همه آن عوامل جان می‌بخشد و آنها را سودمند و نتیجه‌بخش می‌گرداند. همچنین اوست که نسل‌ها را به همدیگر ارتباط می‌دهد، فرهنگ جامعه را حفظ می‌کند و در صورت نیاز تغییر می‌دهد و تکامل می‌بخشد، به رفتار دانش‌آموز شکل می‌دهد و افراد مورد نیاز جامعه را تربیت می‌کند. رسانه‌ها نیز با تولید برنامه‌های متنوع علمی، آموزشی، بازی و سرگرمی در مورد مسائل مختلف فردی و اجتماعی و در راستای ارتقای دانش، بینش و توانش، سعی در توسعه و تحکیم ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی به ویژه ارزش‌های دینی و ابعاد اعتقادی در بین اقشار مختلف به ویژه نسل جوان و نوجوان و آینده‌ساز جامعه دارند. امری که با توجه به فلسفه مسلط اجتماعی حکم بر جامعه ما بیش از پیش باید در آن دقت کرد. به همین دلیل، محقق درصدد است با روش‌های دینی و برررسی دیدگاه دبیران مدارس راهنمایی منطقه دو آموزش و پرورش قم، عوامل مؤثر بر توسعه و تحکیم معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان را شناسایی و اولویت‌بندی کند.

// بیان مسئله

بررسی تاریخ جهان بیانگر آن است که اعتقادات دینی بخش جدایی‌ناپذیر زندگی مردم در تمام دوره‌هاست. فرانکل،^۱ (۱۹۷۵) بنیان‌گذار مکتب معنی‌درمانی می‌گوید: «یک احساس مذهبی عمیق و ریشه‌دار در اعماق ضمیر همه انسان‌ها وجود دارد». یونگ^۲ در کتاب روان‌شناسی و دین می‌گوید: «کاملاً متقاعد شده‌ام که اعتقادات و مناسک دینی، دست کم از نظر بهداشت روانی اهمیت خارق‌العاده‌ای دارند». نیومن^۳ و پارگامنت^۴ (۱۹۹۰) نیز نقش‌های روان‌شناختی مهم و بی‌شمار مذهب را که در کمک به مردم برای درک و کنار آمدن با وقایع زندگی به کار می‌روند، توصیف کرده‌اند.

بنابراین، باورهای این قبیل توکل بر خداوند، صبر و دعا می‌توانند با ایجاد امید به نگرش‌های مثبت باعث شوند فرد آرامش درونی پیدا کند. بنابراین، کسب موفقیت در زندگی، ایجاد آرامش و رفع اضطراب از نکات کلیدی در به دست آوردن نتیجه است؛ چون «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ یا یاد خدا، دل‌ها آرام می‌گیرند».

اسلام، مکتبی است جامع و واقع‌گرا که در آن، به همه جنبه‌های نیازهای انسانی اعم از دنیایی و آخرتی، جسمی و روحی، عقلی و فکری، احساسی و عاطفی، فردی یا اجتماعی توجه شده است. دین اسلام همواره به عنوان یک دین کامل و جهان‌شمول، به تمامی ابعاد یک زندگی سالم اندیشیده و همه راه‌های منتهی به سعادت دنیا و آخرت را برشمرده است.

آموزش و پرورش یکی از مهمترین دستگاه‌های فرهنگ ساز برای تربیت دینی نسل جدید است. امروزه تربیت دینی یکی از رسالت‌های آموزش و پرورش است، اما احساس می‌شود علاقه به این ارزش‌ها کاهش یافته است. تربیت دینی صحیح در طول دوران ابتدایی و راهنمایی یکی از عوامل مهم جلوگیری از ناهنجاری‌های رفتاری و رشد اندیشه دینی و تقویت باورهای اعتقادی فرد است. هنگامی که از نهادهای دینی تربیت صحیح سخن به میان می‌آید، منظور این است که کودکان به عنوان نسل فردا باید مسیر زندگی و اهداف خود را در بستر نظام اعتقادی جامعه مشخص کنند. امام علی علیه السلام فرمود: «فرزندان خود را بر اساس روش‌های گذشته تربیت نکنید؛ زیرا آنها برای زمان دیگری خلق شده‌اند».^۵ (قائمی، ۱۳۸۰: ۳۶)

انتقال مفاهیم به نسل جدید به روش‌های نوین و همخوان با زمان نیاز دارد و در صورت بد عمل کردن و تأکید بر روش‌های سنتی در آموزش، نسل جدید به ارزش‌های بی‌توجهی می‌کند و تمام تلاش‌ها بی‌ثمر می‌شود. بسنده کردن به آموزش مسائل دینی در ساعت درس دینی برای ساختن نسلی معتقد به اصول اسلامی کافی نیست. این اعتقادات و باورها باید در لحظه لحظه حضور دانش‌آموزان در مدرسه در کنار درس‌ها به آنها آموخته شود تا این ارزش‌ها در وجود آنها نهادینه شود. همه انسان‌ها به ویژه در دوران کودکی فطرتاً به نیکی و زیبایی تمایل دارند. پس باید فطرت پاک آنها شناخته شود و جلوه‌های ذاتی و طبیعی در آنها آشکار گردد. در این صورت، می‌توان به تربیت دینی دست یافت. آموزش عشق، محبت و عبادت به کودک لازم نیست؛ چون این ارزش‌ها در وجود او هست و فقط باید احیا شود و پرورش یابد. پس تربیت دینی در کودکان باید در مسیر زیبایی‌شناسی، ارزش‌پذیری، خویش‌شناسی، حرمت‌شناسی، حرمت‌گذاری،

عزت‌طلبی، نوع‌دوستی، پذیرش مسئولیت‌های دینی و عمل صالح باشد. البته این حرکت بدون برانگیختن احساس دینی و تبلور نگرش‌ها و تحصیل تجربه‌های دل‌نشین دینی میسر نیست. اگر معلم بخواد ذهن بچه‌ها را با مفاهیم دینی پر کند، نتیجه نمی‌دهد. به جای انبوه‌سازی دینی باید درصدد ایجاد بصیرت دینی باشیم. هدف اصلی در تربیت دینی به یاد سپاری اصطلاحات نیست، بلکه پیدایش تغییرات اساسی در احساس، ارزش‌نگری و تقویت باورهای دانش‌آموزان در مورد خود، دیگران، پدیده‌های هستی، لطف و رحمت خدا و نظم جهان است تا بتواند رفتار خود را با خود و جهان تنظیم کند. بنابراین، باید راکارهای توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان بررسی شود تا از این طریق بتوان اخلاق اسلامی را به نسل جوان آموخت. پژوهش حاضر به بررسی عوامل خانوادگی، آموزشی و رسانه‌ای مؤثر بر توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان از دیدگاه دبیران ناحیه 2 قم پرداخته است.

// اهداف و پرسش‌های ویژه تحقیق

مهم‌ترین اهداف تحقیق عبارتند از:

شناسایی عوامل مؤثر بر توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان؛

اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه معنویت و ارزش‌های دینی از دیدگاه دبیران ناحیه 2 قم؛

جلب توجه و حساسیت مدیران و برنامه‌ریزان آموزش و پرورش نسبت به ضرورت مسئله؛

تحلیلی ساده بر راه کارها و موانع تبیین شده.

پرسش‌های تحقیق بر مبنای اهداف یاد شده چنین طراحی شد:

چه عواملی بر توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان تأثیر دارند؟

نقش خانواده‌ها در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان چیست؟

نقش مدارس و معلمان در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان چیست؟

نقش رسانه‌های جمعی در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان چیست؟

آیا بین میزان و شدت تأثیر عوامل مختلف خانوادگی، آموزشی و رسانه‌ای تفاوت معنی داری وجود دارد؟

// فرضیه‌های تحقیق

مدارس و نهادهای آموزشی از عوامل مؤثر در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی در بین دانش‌آموزان هستند.

خانواده در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان نقش مؤثری دارد.

رسانه‌ها در توسعه معنویت و ارزش‌های دینی دانش‌آموزان اثر دارند.

میزان تأثیر عوامل مختلف خانوادگی، آموزشی و رسانه‌ها در تحکیم ارزش‌های دینی و اعتقادات دانش‌آموزان متفاوت است.

// ادبیات تحقیق

// 1. دین و دین باوری

یکی از موضوعات مهمی که در روان‌شناسی علمی به آن به عنوان یک پدیده اثرگذار بر شناخت‌ها و نگرش ها، هیجان‌ها و عواطف و رفتار و عملکرد انسان‌ها توجه شده، موضوع دین است. (سالاری فرو همکاران، 1384: 36) دین در زبان عربی به معنای اطاعت، انقیاد و آیین و شریعت؛ یعنی وضع و تأسیس الهی که مردم را به رستگاری هدایت می‌کند و شامل عقیده و عمل، هر دو است؛ مانند دین اسلام و...آمده است. (آذربایجانی و موسوی اصل، 1385: 39) به عبارت دیگر، دین به معنای قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس، شریعت، مذهب، ورع و پاداش، انقیاد و خضوع و پیروی، تسلیم و جزاست. (احمدی، 1386: 19) در اصطلاح نیز عبارت است از اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراءالطبیعی و رعایت سلسله قواعد اخلاقی، حقوقی و سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در زمینه ارتباط با خود، خدا، دیگر بندگان و انجام مناسک عبادی برای تقرب به خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح. (همان)

دین از نظر منطق قرآن، یک روش زندگی اجتماعی است که به منظور سعادت ابدی و نجات سرمدی انسان به صورت قوانین و مقررات هماهنگ با تکوین، برنامه‌ریزی شده است. علامه طباطبایی رحمه الله می‌فرماید: «دین الله سبحانه هو تطبیق الانسان حیاته علی ما تقتضیه قوانین التکوین و نوامیسه حتی یقف بذلک موقفاً تتحرّاه نفسیه النوع الانسانی». حیات طیبیه که قرآن برای انسان ترسیم می‌کند، حیاتی است جاودانی که با مرگ قطع نمی‌شود و در نتیجه، انسان باید روشی را در زندگی در پیش بگیرد که هم به درد این سرای گذران و هم به درد آن سرای جاودان بخورد. باید راهی را برود که وی را به سرمنزل سعادت دنیا و آخرت برساند. این روش همان است که قرآن، «دین» می‌نامد. (آذربایجانی و موسوی اصل، 1385: 41) این، روش همان روشی است که از نیروی عمومی و اعتقادی کلی دستگاه آفرینش الهام و سرچشمه می‌گیرد. دین، روش ویژه‌ای برای زندگی دنیوی است که مصلحت دنیوی انسان را در جهت کمال اخروی و ابدی او تأمین می‌کند. (جوادی آملی، 1372: 93) چون زندگی انسان، محدود به این جهان پیش ازمرگ نیست، دین به عنوان روش زندگی اجتماعی باید هم مشتمل بر قوانین و مقرراتی باشد که با اعمال و اجرای آن، سعادت و خوشبختی دنیوی انسان تأمین شود و هم مشتمل بر یک سلسله عقاید و اخلاق و عبادات باشد که سعادت آخرت را تضمین کند. چون حیات انسان یک حیات مستمر و متصل است، هرگز جنبه دنیوی و اخروی از هم دیگر جدا نمی‌شوند. (آذربایجانی و موسوی اصل، 1385: 41) جیمز در تعریف روان‌شناختی دین آن را «احساسات، اعمال و تجربیات افراد هنگام تنهایی [می‌نامد] آنگاه که خود را در برابر هر آنچه الهی می‌نامند، می‌یابد». (همان، 40) در تعریف دیگر، دین، مجموع‌های از باورها، اعمال، شعایر و نهادهای دینی توصیف می‌شود که افراد بشر در جوامع مختلف بنا کرده‌اند. (سرمدی، 1385: 60)

در تعریف دیگری، اسپنسر⁷ می گوید: دین، اعتراف به این حقیقت است که همه موجودات، تجلیات نیرویی هستند که فراتر از علم و معرفت ماست. (سرمدی، 1385: 60) با دین پاسخی است «به ندای الهی». (جان هیک، 1372) کانت هم می‌گوید: «دین، قانون وجود ماست، در حدی که سلطه اش بر ما از قانون‌گذار و داوری ناشی می‌شود. دین، اعمال اخلاق در قلمرو معرفت برای تعالی است. اگر دین با اخلاق پیوندی نداشته باشد، تنها به کوشش برای جلب حمایت تبدیل می‌شود». (شکوهی، 1374) به یقین، دین تأثیرات عمیق وگسترده‌ای در تبلور شخصیت افراد و اخلاق و رفتار فردی و اجتماعی ایشان دارد و این نوع کارکرد دین یا تأثیرات دینداری، فقط مخصوص دین اسلام نیست؛ زیرا به گزارش دانشمندان علوم اجتماعی، دین هر گونه که باشد، هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان پیدا کرد که دین در آن نقش مهمی نداشته باشد. «دین نه تنها به جهان معنا می‌بخشد، بلکه الگویی برای جهان به گونه‌ای رمزی فراهم می‌سازد؛ یعنی طرحی از آنچه جهان باید باشد، به دست می‌دهد. برای همین است که دین می‌تواند راهنمایی برای رفتار بشر از روابط خانوادگی گرفته تا ایدئولوژی‌های گروه‌های اجتماعی و حاکم فراهم سازد و این کار را نیز غالباً انجام می‌دهد». (بیتس و پلاک، 1375)

در این بین، پناه بردن به درون و اعتقادات قلبی می‌تواند بسان دارویی معجزه آسا، تحولی پویا و موفق ایجاد می‌کند؛ یعنی با استعانت از نیروهای بسیار قوی درونی و اعتقادی، علاوه بر معنی بخشیدن به کوشش هدفمند و فوق مادی که در آن، موفقیت و شکست، هر دو، معنی و حدود والایی دارند، با توکل به خداوند متعال و یقین داشتن به موفقیت بر اثر تلاش، ضمن کاهش هیجان‌های کاذب و اضطراب، درصد موفقیت را افزایش می‌دهد و از میزان تنش، شکست و ناکامی می‌کاهد و انگیزه فرد را تقویت می‌کند. این همان نقش روان‌شناختی و نیروی انگیزشی درونی است که بدون هیچ هزینه و مربی روان‌شناسی در دسترس جوانان مؤمن و معتقد به باورهای دینی است که با توسعه و تحکیم آن در عملکردها می‌توان معجزه کرد.

// 2. معیارهای دین باوری

معیارها و شاخص‌های مختلفی برای دین باوری در منابع ذکر شده است. در معیارهای مستخرج از آیات و روایات، عواملی یاد شده است از قبیل: معرفت به خدا و ایمان به خدا، توکل به خدا، امید به خدا و محبت او، پرستش و پیروی از او و یاد خدا، شکرگزاری، تلاوت آیات قرآنی، اخلاص، حسن ظن به خدا، احساسات معنوی چون اعتقاد به پاداش بهشت، ایمان به حیات پس از مرگ، ترجیح دادن سعادت اخروی بر سعادت دنیوی، اعتقاد به نتایج اعمال، جاودانگی روح، شوق بهشت و ترس از دوزخ، اعتقاد به نبوت و امامت، محبت، الگو بودن اولیای دین، پیروی از اولیای دین، شناخت امام، رعایت شعایر دینی، احترام به مکان‌ها و اشیای مقدس، سعادت در دین، رعایت حدود و احکام الهی، اعتقاد به کتاب‌های آسمانی، پرداخت زکات و خمس و حمایت از مؤمنان، مراقبت از سلامت خود، تعدیل غرایز، رعایت پاکیزگی و طهارت، میانه‌روی در معیشت، راستی، وفاداری، امانت‌داری، عفت و پاکدامنی، دعوت به خیر، مردم داری، رعایت حقوق دیگران، احساس مسئولیت نسبت به دیگران، خوش‌رفتاری و پرهیز از سوءظن و آزار دادن دیگران، بهره بردن از دنیا و آبادانی، حفظ محیط زیست، آزار نرساندن به حیوانات، تقوا، مراقبت، توبه، نوسازی خویشتن، محاسبه اعمال، عزت نفس، صبر و پایداری، تفکر و تعقل، پرهیز از خود بینی. (آذربایجانی و موسوی اصل، 1385: 116، 108) این عوامل در ده حوزه رابطه انسان و دین، انسان و خدا، انسان و آخرت، اولیای الهی، اخلاق فردی، روابط اجتماعی، معیشت، خانواده، ابعاد جسمی و انسان و طبیعت

طبقه بندی شده‌اند. (همان منبع: 117) در الگوی دیگری، جهت‌گیری‌های مذهبی یا دینی در چهار مقوله کلی: رابطه انسان با دیگران مانند عفت، حلم و مدارا، رازداری، صداقت، عدالت، مسئولیت‌پذیری، خوش‌رویی و شادابی؛ رابطه خدا و انسان مانند تعین، ذکر و عبادت، اخلاص، رضا، جهاد؛ رابطه بین انسان و خویشین مانند مراقبت، محاسبه و ارزش‌یابی مداوم خود نسبت به خود، توبه؛ رابطه انسان با دنیا از جمله تقوا، زهد، سازندگی و رابطه انسان با آخرت مانند ایمان به آخرت و شوق به آخرت، هول مرگ، تفسیر می‌شود. (سالاری فر و همکاران، 1384: 497 - 500) در رویکردی دیگر، ایمان در اصول دین و عقاید، فروع دین و اخلاقیات تقسیم بندی می‌شود. (همان منبع: 494) امام علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «الایمان علی أربع دعائم: علی الصبر والیقین والغلبه والجهاد» ایمان بر روی چهار ستون استوار است: صبر و شکیبایی، یقین و باور، عدل و داد و جهاد و کوشش در راه دین». (نهج البلاغه: 1100 - 1099)

// 3. عوامل مؤثر در تربیت معنوی و دینی دانش‌آموزان

عوامل مختلفی در تربیت معنوی دانش‌آموزان اثرگذار هستند که در سه طیف عوامل خانوادگی، رسانه ای و آموزشگاهی قابل بررسی هستند. الف) عوامل آموزشگاهی: محیط مدارس و مجموعه عناصر موجود در آن از جمله معلمان، مدیران، هم‌کلاسی‌ها، محتوا و مواد آموزشی می‌توانند در تربیت معنوی دانش‌آموزان مؤثر باشند، اما معلم به عنوان مهم‌ترین عنصر تخصصی و بهترین طراح محیط و تجربه‌های یادگیری، نقش اساسی و حساسی بر عهده دارد که به چند مورد از آن اشاره می‌شود: یک - مستعدترین انسان‌ها از نظر ذهنی و پائترین آنها از نظر قلبی، روحی و عاطفی، یعنی کودکان دوره‌های ابتدایی، نوجوانان و جوانان دوره‌های متوسطه در اختیار معلمان قرار دارند. هم چنین بیشترین وقت دانش‌آموزان را در اختیار آنهاست و مهم‌تر از همه، معلمان عهده‌دار آموزش و تعلیم دانش‌آموزان هستند. بنابراین، می‌توانند نقش بسیار متناهی در تربیت دینی آنها ایفا کنند. معلمان می‌توانند از فرصت‌های متعددی که هنگام درس دادن برایشان فراهم می‌شود، استفاده کنند و با تبیین درست عقاید اسلامی، باورهای نادرست و خرافی را که از طریق خانواده یا محیط بیرون در اذهان دانش‌آموزان نقش بسته است، از اعتقادات اسلامی جدا سازند. و با تفکیک مسائل دینی از غیر آن، عقاید آنها را پالایش کنند. معلمان حتی وقتی که فیزیک، شیمی، ریاضی، زبان خارجی، ادبیات و دیگر مواردی را که ربطی به دین ندارد، تدریس می‌کنند، می‌توانند در فرصت‌های مناسب به تبیین معارف دین بپردازند. دو - معلمان با شناسایی دقیق موانع ایمان از یک طرف و درک روحیه دانش‌آموزان از سوی دیگر می‌توانند تدبیرهایی را برای از میان برداشتن آن موانع ببینند و آنها را زیرکانه و ماهرانه اجرایی کنند. آنان می‌توانند از روش پیامبران و امامان برای موفقیت نسبی در این وظیفه سنگین و خطیر بهره جویند و نیز برای درک بهتر روحیات دانش‌آموزان از دستاوردهای روان‌شناسان کمک بگیرند. آنان در این زمینه:

- با بیدار کردن فطرت‌های پاک و مستعد و به فعلیت رساندن آنها می‌توانند روحیه حق‌گرایی (بیدار کردن فطرت الهی) دانش‌آموزان را افزایش دهند و ایمان‌آفرینی کنند. خداوند در قرآن برای تقویت روحیه حق‌گرایی و جلوگیری از تأثیر عوامل منفی، انسان‌ها را از ماهیت روحیه حق‌گرایی و چگونگی اثرپذیری آن از شرایط بیرونی آگاه کرده است. این آگاهی از یکسو باعث می‌شود خود انسان در برابر عوامل منفی اعم از درونی و بیرونی، موضع‌گیری کند و مانع تأثیر آنها شود. از سوی دیگر، باعث می‌شود انسان در ارزیابی رفتار خود به این موضوع توجه بیشتری کند. (داوودی، 1385: 172)

- با تقویت قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل در بین دانش‌آموزان از طریق هماهنگی بین گفتار و کردار و تطبیق گفتار با نیازهای جامعه در آنان می‌تواند ذهنیت مثبت ایجاد کنند و قدرت تفکر را رشد دهند. اگر این افراد قدرت تفکر و تشخیص حق از باطل پیدا کنند، از بزرگان‌شان پیروی کورکورانه نمی کنند و در آینده دچار بدبختی نمی‌شوند. (همان منبع، ص 175)

- با رفتار درست و مطابق با گفتار، نه تنها می‌توانند مقبولیت و اعتبار خود را نزد دانش‌آموزان ارتقا بخشند، بلکه می‌توانند پیش از تعلیم دیگران به تعلیم خود بپردازند و در مقام تربیت دیگران، پیش از تربیت به زبان، به تربیت با عمل همت گمارند. (مجلسی، 1372: 56) یافته‌های روان‌شناسان نشان می‌دهد که «هرچه مخاطبان نگاه مثبت‌تری به گوینده داشته باشند، ارتباط را مثبت‌تر ارزیابی می‌کنند و احتمال بیشتری دارد که نگرش خود را مطابق نظرگوینده تغییر دهند». همچنین آنان در تبیین رابطه میان محبوبیت و اثرگذاری می‌گویند: «از آنجا که انسان‌ها تلاش می‌کنند شناخت‌هایشان با احساسات‌شان هماهنگ باشد، نگرش خود را به احتمال زیاد بر حسب نگرش‌های کسانی که دوست دارند، تغییر می‌دهند. معلمان می‌توانند با دین‌داری، گشاده‌رویی و خوش‌رویی، خلق نیکو، تواضع و احترام به دانش‌آموزان، زهد و بهرغتی به دنیا و ارادتگی و زیبایی ظاهری، محبوبیت خود را نزد دانش‌آموزان افزایش دهند. معلم باید حتی الامکان از تنبیه و برخورد تند و خشونت‌آمیز با دانش‌آموز اجتناب ورزد زیرا روان‌شناسی جدید بر این عقیده است که نوجوان در رشد و تکامل اجتماعی خود، از چگونگی ارتباط و علاقه‌اش نسبت به معلمان و میزان نفرت یا محبت خود به آنها متأثر می‌شود». (شعاری نژاد، 1386: 567) محبوبیت معلم در کارکرد مهم دارد: نخست آنکه به وی امکان می‌دهد در لایه‌های درونی شخصیت دانش‌آموزان نفوذ کند. دوم آنکه اثرگذاری تربیتی معلم را آسان می‌کند. تحقیقاتی که در مورد میزان علاقه دانش‌آموزان به درس دینی انجام شده است، (سادنی، 1374: 725) نشان می‌دهد که میزان علاقه دانش‌آموزان به دبیر دینی، رابطه مستقیم و مثبتی با میزان علاقه آنان به این درس دارد. (داوودی، 1385: 182، 180) - با انتخاب شیوه مناسب در بیان آموزه‌های دینی می‌توانند آموزه‌های دینی را به شکل ساده، رسا و قابل فهم تحکیم بخشند. (داوودی، 1385: 1840 - 182) - با ایجاد فضایی باز برای طرح پرسش‌های دانش‌آموزان و پاسخ‌دهی مناسب می‌توانند شبهات دینی آنان را برطرف کنند.

سه - روان‌شناسان معتقدند که کودک در مسیر رشد طبیعی، روند اجتماعی شدن را از طریق همانند کردن خود با والدین و دیگر بزرگسالان می‌پیماید. او از طریق مشاهده رفتار دیگران برای یادگیری و تقلید از الگوهای رفتاری جدید تلاش می‌کند و بر آن است تا شخصیت خویش را با دیدگاه‌ها و ارزش‌های افراد مهم در زندگی خود همانند سازد. در این ارتباط، مهم‌ترین منبع همانندسازی کودک در سنین مدرسه، بعد از والدین، معلم است. رفتار معلم و همچنین ظاهر او شبیه به پدر و مادر کودک می‌نماید و کودک چنان با معلم خود انس می‌گیرد که گویی یکی از والدین اوست. گاهی این وضعیت تا بدان جا گسترش می‌یابد که معلم خود را برتر از والدینش می‌پاید؛ چرا که او هم فرشته محبت است و هم مظهر دانایی و آگاهی. از این رو، ویژگی‌های شخصیتی معلم نقش بسزایی در شکل‌گیری شخصیت کودکان بازی می‌کند.

کودک با پذیرش رفتارهای معلم به عنوان الگو و سرمشق، هویت اجتماعی متزلزل خویش را استحکام می‌بخشد. اگر شخصیت معلم دارای صفات انسانی از قبیل مهرورزی، نوع‌وستی، درست‌کاری، همکاری، خویش‌نماری و ایمان باشد، طبعاً تقلید چنین ویژگی‌هایی، سلامت روانی کودک را تضمین خواهد کرد. در مقابل، اگر شخصیت معلم دچار اختلال و نابسامانی باشد، یعنی رفتارهایی خلاف هنجارهای فرهنگی و اجتماعی از او سر بزند یا از صفات انسانی بی‌بهره باشد، در چنین وضعی، همانندسازی کودک با معلم، حاصلی جز رفتارهای ناپسند و اختلالات نخواهد داشت. (عطیعی، 1369: 221)

ب) عوامل خانوادگی: خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی و تربیتی نقش بسزایی در تربیت معنوی کودکان دارد و در رأس آن، والدین و روابط آنان با فرزندان و تعاملات عاطفی و اخلاقی حاکم بر محیط خانواده می‌تواند در عمق وجودی فرزندان ریشه بواند و سرنوشت تربیت را در دست بگیرد. اکنون چند مورد اشاره می‌شود:

یک - خانواده‌ها را از نظر ساختار و نوع روابط درونی بین اعضا به چند نوع تقسیم کرده‌اند. مثلاً جامعه‌شناسان از خانواده‌های گسترده و هسته‌ای نام می‌برند یا روان‌شناسان از خانواده‌های بااقتدار، قدرت‌طلب و سهل‌انگار یاد می‌کنند. نوع دیگر، طبقه بندی زمانی است که ملاک طبقه بندی، مباحث اعتقادی و دینی است. در این زمان، از خانواده‌های مذهبی، خانواده‌های بی‌مذهب و خانواده‌های ضد مذهب نام برده می‌شود. (رحماندوست، 1371: 21) خانواده‌های بی‌مذهب و ضد مذهب خانواده‌هایی هستند که یا نسبت به تربیت مذهبی فرزندان غافل و بی‌اعتنا نیست به آن نگرش منفی دارند. بنابراین، نیازی نمی‌بینند افکار و اعتقادات دینی فرزندان‌شان با آموزش‌های دینی ارتقاء یابد، اما خانواده‌های مذهبی دوست دارند فرزندان خود را با مفاهیم دین و مذهب آشنا سازند و اعتقادات و باورهای مذهبی را به فرزندان منتقل کنند. این خانواده‌ها تلاش می‌کنند در تربیت فرزندان خود تا آنجا که ممکن است، دستورالعمل‌های دینی و اعتقادی را در فرزندان خود نهادینه سازند. آنها برای توفیق در تربیت دینی، پرسش‌های زیادی دارند و به منابع مختلفی رجوع می‌کنند. آنان نگران وضعیت اعتقادی فرزندان خود هستند و تلاش می‌کنند با آموزش دادن مفاهیم دینی و وادار ساختن فرزندان به پیروی از آنها، سعادتمندی را برای ایشان به ارمغان بیاورند و بخشی از حقوق آنها را تأمین کنند. خانواده‌ها می‌توانند به شکل‌های مختلف در تحکیم ارزش‌های دینی فرزندان مؤثر باشند. اکنون به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:

دو - تقاهم اعتقادی والدین با فرزندان که از آن به جو عاطفی خانوادگی تعبیر می‌شود، در انتقال مفاهیم تربیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است. تحقیقات روان‌شناسان اجتماعی، آسیب شناسان روانی، آسیب شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان (کی‌نیا، 1357: 27) همگی بر این نکته مهر تأیید می‌زنند که کج رفتاری‌ها و انحرافات اجتماعی در انسان‌ها تا اندازه زیادی ریشه خانوادگی دارند و حتی یکی از راه‌های پیش‌بینی رفتارهای بزرگسالان را روابط خانوادگی دانسته‌اند. رابطه بین زن و شوهر بر بهداشت روانی مجموعه خانواده اثر می‌گذارد و در این مجموعه، فرزندان، شکننده ترند. در محیط گرم و دوستانه خانوادگی که در آن، پدر، مادر و اعضای دیگر خانواده دارای روابطی دوستانه و صمیمانه‌اند، معمولاً کودکان شاد و سالم با شخصیتی فعال، مثبت و مستقل بار می‌آیند که بازتاب عشق و علاقه خانوادگی را به صورت محبت و کمک به دیگران نشان می‌دهند. برعکس، زندگی در محیط‌های خانوادگی از هم پاشیده و زندگی آلوده و منحرف کننده، مراقبت سهل‌انگانه و بی‌توجهی والدین به امر تربیت فرزندان، اساس ناپسندجاری‌ها را در آنها پایه‌ریزی می‌کند که این امر در نوجوانی و جوانی افزایش پیدا می‌کند.

سه - والدین در انتقال ارزش‌ها نقش الگو را بازی می‌کنند. دلایل متعددی وجود دارد که کودکان برای فراگیری ارزش‌ها و رفتارهای والدین برانگیخته شوند. عمل الگو بسیار اثرگذارتر از بیان الگوست. بنابراین، اگر خانواده‌ها رفتارهای مذهبی را برای فرزندان خود می‌پسندند، ابتدا خود باید الگوی عملی باشند. اگر به نماز، قرآن خواندن و حجاب فرزندان خود علاقه‌مندند، ابتدا خود در عمل باید به نماز، قرآن خوانی و حجاب اهمیت بدهند. والدین آنگاه در تربیت دینی توفیق می‌یابند که خود به آنچه می‌گویند، عمل باشند.

چهار - در آموزش‌های اسلامی، تفکر یکی از فعالیت‌های بسیار ارزشمند تلقی می‌شود به گونه‌ای که یک ساعت تفکر، برتر از هفتاد سال عبادت دانسته شده است یا خواب عاقل را بهتر از بیداری جاهل دانسته‌اند. این تأکیدها برای این است که انسان جاهل به راحتی نمی‌تواند از اعتقادات خود دفاع کند. لازم است که فرزندان خود را نسبت به علت انتخاب رفتار هشیار سازیم و از آنها بخواهیم دنبال استدلال‌هایی باشند و تلاش کنند به عمق معنایی و مفاهیم رجوع کنند، رفتارها را در نظر بگیرند، سؤال پرسند و همواره در جهت ارتقا و افزایش دانش و اطلاعات خود باشند. در این میان، نباید از نقش مشوق های والدین غافل شد. صبر، حوصله و دانش والدین بسیار اساسی است.

پنج - تحقیقات روان‌شناسی نشان داده است که از بین عواملی نظیر شباهت، قدرت و صمیمیت، عامل صمیمیت، تأثیری قوی‌تر بر جای می‌گذارد. (اتیکسون و همکاران، 1383: 97)

ایجاد صمیمیت و رابطه محبت آمیز باعث می‌شود فرزندان از والدین و درخواست‌های آنان پیروی کنند؛ زیرا می‌توانند در غیر این صورت، عشق و علاقه آنان را از دست بدهند. بنابراین، استفاده از علاقه‌مندی‌های خانوادگی، اعلام جهت، نشان دادن رحمت و عنایت، تحریک عواطف و گاهی نیز استفاده هم‌زمان از مهر و قهر می‌تواند بسیار سودمند باشد. شش - والدین باید بدانند که همه انسان‌ها دوست دارند آنها را جدّی بگیرند و ارزشمند تلقی شوند. کودکان و نوجوانان نیز از این قاعده مستثنا نیستند. والدین می‌توانند با استفاده از زمینه‌های تشخیص طلبی در جمع‌های خانوادگی، به طور غیر مستقیم، به ارزش‌های مذهبی و رفتارهای معنوی اشاره کنند تا فرزندان نسبت به شاعر مذهبی نگرشی مثبت پیدا کنند و در انجام دادن آنها اصرار بیشتری داشته باشند.

هفت - والدین باید بدانند که معاشرت‌ها همان‌گونه که عامل مصونیت اخلاقی هستند، در مواردی، عوامل فساد و انحراف می‌شوند. اگر شرایطی فراهم شود که نوجوان با دوستان و معاشران مذهبی و تربیت یافته همدست شوند، بخش مهمی از راه طولانی تربیت مذهبی را به راحتی خواهند پیمود. نقش گروه همسالان در مرحله‌هایی از دوران حیات، از نقش پدر و مادر هم بیشتر است که از آن جمله است سنن نوجوانی و بلوغ. چه بسیار که افراد، خود را کاملاً با دوستان خود همگام می‌کنند و بر اساس آن یا ساخته و پرداخته می‌شوند یا خاندان نبوت خود را گم می‌کنند. شرایط اثرگذاری گروه هم سالان در جریان رشد یکسان نیست؛ یعنی این اثرگذاری در دوران کودکی، کمتر و در دوران نوجوانی، بیشتر است. اگر والدین در دوران کودکی از فرزند خود مراقبت بیشتری کنند و مراقب دوستان آنان باشند، در نوجوانی دوران کم‌دردسری را پشت سر خواهند گذاشت و دچار اضطراب و نگرانی کمتری خواهند شد.

هشت - والدین آگاه هستند که درک و فهم کودک از مسائل مذهبی بسیار محدود است و به همین علت، او همیشه در زمینه‌های گوناگون پرسش می‌کند تا دامنه اطلاعات خود را وسیع‌تر سازد. در این میان، پاسخ‌گویی به پرسش‌ها بسیار مهم است که باید درست و قانع‌کننده باشد. موفقیت در این امر بسته به آن است که والدین و مربیان، خود، اعتقادات و اطلاعات روشنی داشته باشند و به آنچه می‌گویند، مؤمن باشند.

نه - والدین باید بدانند که این دلایل در ترک عقاید فرزندان مؤثر است:

- ناآگاهی از مسائل مذهبی؛

- تناقض در رفتار و کردار والدین و مربیان؛

- اعمال روش‌های خشک و بسته در آموزش مذهبی و درخواست کورکورانه و بی‌قید و شرط؛

- وجود افسانه و خرافات و موهومات و شبهات به اسم مذهب که سبب بد نام کردن مذهب می‌شود؛

- نبود رابطه بین دین و دانش و حتی اصرار به متضاد نشان دادن این دو موضوع؛

- تحمیل تعلیم مذهبی بدون در نظر داشتن ظرفیت جسمی و روانی فرزند؛

- نداشتن استدلال منطقی در دفاع از کیان عقیدتی؛

- وجود تفاوت بین تعلیم مطرح شده و عمل به آنها در عرصه اجتماع و از جانب مسئولان مذهبی جامعه.

ج) عوامل رسانه‌ای: رسانه به مجموعه‌ای از افراد، اشیا یا موقعیت‌هایی گفته می‌شود که در انتقال پیام از فرستنده به گیرنده اثرگذارند و موجب درک بهتر گیرنده‌ها از پیام می‌شوند. رسانه‌ها انواع مختلفی دارند که رسانه‌های جمعی از مهمترین آنها هستند. رسانه‌های جمعی، رسانه‌هایی هستند که گیرندگان پیام بیش از یک نفر نامحدود و غیرقابل شناسایی هستند و امکان دریافت بازخورد مستقیم برای اصلاح پیام وجود ندارد. (سورین ورنر و تانکارد جیمز، 1381: 449) روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون از جمله این رسانه‌ها هستند. تلویزیون، مهمترین و اثرگذارترین رسانه جمعی است که از طریق تولید و نمایش برنامه‌های صوتی و تصویری سعی دارد به همراه خانواده و مدرسه در تربیت و ساخت فرهنگ ارزش‌های اجتماعی نقش داشته باشد. تلویزیون می‌تواند دانشگاهی باشد که در جریان اطلاع رسانی و به ویژه تغییر نگرش اعضای جامعه نقش آفرینی می‌کند. با توجه به اهمیت حیطه عاطفی و جایگاه رسانه در توسعه و تکوین ابعاد شناختی و روانی و حرکتی، درجهت استقلال شخصیت، رشد خلاقیت‌ها، توانایی حل مسئله و جلوگیری از لغزش‌ها؛ و موفقیت رسانه در شکل‌گیری حوزه عاطفی (که بعد از منابع انسانی، مؤثرترین رسانه قلمداد می‌شود) به نظر می‌رسد رسانه ملی می‌تواند در تحکیم ارزش‌های معنوی و دینی بسیار مفید و مؤثر باشد. اکنون به تعدادی از این راهکارها اشاره می‌شود:

یک - رسانه با خلق موقعیت‌های واقعی و ارائه آن در قالب‌های مختلف فیلم و سریال، به کودکان کمک می‌کند تصاویر واقعی‌تر از زندگی به دست آورند، آموزه‌های عینی را برای ورود به زندگی اجتماعی و سازگاری اجتماعی بیاموزند و در فرایند بازسازی اجتماعی نقش فعالی داشته باشند. (همان منبع: 454)

دو - رسانه نه تنها به عنوان مکمل تربیت خانواده و مدرسه، بلکه به عنوان جامع همه آنها می‌تواند در معرفی و انتقال فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و معنوی، ارزش سنجی و توسعه روش‌های زندگی بر پایه فرهنگ اصیل و بومی اثر بخشی زیادی داشته باشد و از طریق تولید برنامه‌های مناسب برای کودکان و نوجوانان، زمینه را برای حفظ هویت ملی و مذهبی فرزندان این مرز و بوم فراهم آورد.

سه - رسانه می‌تواند با تولید و نمایش برنامه‌های مناسب ضمن افزایش آگاهی و شناخت کودکان، جایگاه ارزش‌های دینی را در زندگی سعادتمندانۀ عینیت بخشد و نگرش آنان را روشن سازد (همان: 473) و با تقویت ارزش‌های اجتماعی و افشای زمینه‌های انحرافی، آنان را در مسیر درست هدایت کند.

چهار - رسانه با استفاده از شخصیت پردازی‌های نمادین، با کمترین هزینه و زمان می‌تواند درس زندگی را به همه بیاموزد و تلخی و شیرینی گذشته‌ها و تاریخ را به تجربه‌هایی برای یادگیری تبدیل کند.

پنج - رسانه با تهیه برنامه‌های مناسب می‌تواند کودکان را با سیر تحولات تاریخی دین و فرهنگ و جامعه به صورت عینی و مستند آشنا سازد.

شش - رسانه با معرفی چهره‌های ماندگار علمی، فرهنگی، سیاسی و مذهبی می‌تواند سرمشق‌های موفقیت و تلاش را برای الگوگیری در جهت پیروزی در زندگی در اختیار آنان قرار دهد.

هفت - رسانه با معرفی الگوهای مناسب فرهنگی و مذهبی می‌تواند اخلاق اسلامی را در کودکان نهادینه سازد.

هشت - رسانه با افزایش خود باوری و اعتماد به نفس کودکان می‌تواند زمینه لغزش و انحراف را در آنان به حداقل کاهش دهد.

// پیشینه تحقیق

تحقیقات نشان می‌دهد بین نگرش دینی و افسردگی، اضطراب و پرخاشگری رابطه منفی و معکوس وجود دارد. (سالاری فر و همکاران، 1384: 89) در مطالعه‌ای که شریفی و همکاران در سال تحصیلی 81. 1380 در دانشگاه آزاد اسلامی اهواز روی 400 نفر از دانشجویان دوره کارشناسی انجام دادند، آزمودنی‌ها با پرسش‌نامه سنجۀ دینداری، افسردگی بک (BDI)، اضطراب (ANQ) و پرخاشگری (AII) آزمون شدند یافته‌ها نشان داد از میان چهار بعد متغیر دینداری، بعد مناسکی، بهترین پیش بینی کننده برای متغیر اضطراب و بعد عاطفی و بعد اعتقادی، بهترین پیش بینی کننده‌ها برای متغیرهای افسردگی و پرخاشگری هستند.

بررسی هویت مذهبی و رابطه آن با راهبرد مقابله معنوی در نوجوانان اصفهان به وسیله احد غضنفری (همان: 97) نشان داد یکی از راهبردهای کارآمد برای مقابله با موقعیت‌های فشارزا، راهبرد مقابله معنوی است. این راهبرد علاوه بر شکل دهی هویت مذهبی، در رسیدن انسان به یک فلسفه پایدار کمک می‌کند.

مطالعه اعتقادات مذهبی و میزان امیدواری دکترحبیب هادیانفر و همکارش (همان: 122) نیز نشان داد امیدواری یکی از سازه‌های مهم در روان‌شناسی مثبت گراست و عقاید مذهبی بر احساس رضایت از زندگی و سطح امیدواری تأثیر مثبتی دارد. این نتیجه با اجرای پرسش‌نامه معبد برای مطالعه اعتقادات مذهبی و مقیاس امیدواری اسنایدر برای سنجش وضعیت امیدواری روی 75 دانشجوی دختر و پسر دانشکده علوم دانشگاه شیراز به دست آمد.

تحقیق دیگری که فضل‌الله یزدانی و حسین آزاد با عنوان «بررسی رابطه بین نگرش دینی و سبک‌های مقابله‌ای و شادکامی روحی» در مورد 361 دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی مناطق پنج‌گانه شهر اصفهان انجام دادند، نشان داد بین شادکامی، نگرش دینی و سبک‌های مقابله‌ای کارآمد و سبک مراجعه به دیگران در سطح 99/0 رابطه معنی دار و مثبت و بین شادکامی و عوامل آن با سبک مقابله‌ای ناکارآمد، رابطه منفی معنی دار وجود دارد. (همان: 125)

بررسی رابطه درونی سازی مذهبی، سلامت روانی، ناامیدی و هیجان طلبی گودرزی نیز نشان داد مفاهیم مذهبی می‌تواند در کاهش هیجان‌طلبی امید در افراد مؤثر باشد و از این نظر در بحث پیش‌گیری از رفتارهای خطرآفرین به کارگرفته شود. (همان: 108)

یافته‌های تحقیقی سهرابیان و همکاران با عنوان «بررسی تأثیر نگرش مذهبی بر سازگاری فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دبیرستانی» روی 300 نفر نمونه انتخاب شده از بین دانش‌آموزان سال دوم متوسطه لرستان نشان داد بین نگرش مذهبی و سازگاری فردی و اجتماعی، همبستگی مثبت بالایی وجود دارد. (سالاری فر و همکاران، 1384: 88 - 87) و مسئولان، برنامه‌ریزان و والدین می‌توانند با تقویت روحیه مذهبی در نوجوانان از انحراف و ناسازگاری اجتماعی آنان پیش‌گیری کنند.

در تحقیق دیگری که زکی و یزدانی با عنوان «نقش جهت‌گیری‌های دینی در احساس خوشبختی روانی» روی 187 دانشجوی دانشگاه آزاد اسلامی نراق انجام دادند، معلوم شد جهت‌گیری‌های دینی در احساس خوشبختی روانی تأثیر دارد. (همان: 86 - 85) تقوا و معنویت، پاسخ به احساس تنهایی روحی، کاهش رنج، معنا بخشیدن به زندگی، کاهش ترس از مرگ، تعادل روحی و وحدت روحی و روانی، آرامش خاطر و امیدواری، ارزش‌های معنوی و روحی، ثبات شخصیت، استواری روحی، کاهش بیماری‌های عصبی و روانی، راهی از اسارت و تعلقات دنیوی و آثاری از این قبیل از کارکردهای فردی باورهای دینی است. (همان: 140)

پژوهش‌های انجام شده در جوامع دیگر نیز بیانگر آن هستند که ایمان و باورهای مذهبی، رفتار افراد را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهند. مور (2002) در پژوهشی نشان داد که نوجوانان و جوانان مذهبی نسبت به همسالان خود در زندگی دچار آشفته‌گی کمتری می‌شوند. همچنین آن دسته از دانش‌آموزان دبیرستانی که به صورت منظم در مراسم مذهبی و نیایش شرکت می‌کنند، در زندگی روزمره با آسیب‌های اجتماعی و روانی کمتری روبه‌رو می‌شوند و در فعالیت‌های سازندگی، بیشتر شرکت می‌کنند. آنان با اعتماد به نفس، صبر، یقین به موفقیت، اعتقاد به عدل

الهي در كوشش، نظارت مستقيم خدا بر رفتارها و نيات، انگيزه‌هاي خود را منسجم و حركت‌شان را آغاز مي‌كنند و مرزهاي نتيجه‌گيري را تعالي مي‌بخشند. در اين مطالعه، متغيرهاي مانند: ايمان، يقين، صبر، امر به معروف و نهی از منكر، عدل الهي، نظارت مستقيم بر نيات، اعمال، التزام عملي به انجام فرائض ديني از جمله نماز، راز و نیاز با خدا، توسل به ائمه اطهار عليه السلام، اعتقاد به امدادها و توكل به عنوان عوامل روان‌شناختي باورهاي ديني در بهبود عملکرد بررسی شده است.

الفته (1386) در پژوهش «بررسي راه‌هاي آموزش خلاق با رويکرد تعميق و تقويت باورهاي ديني (نماز)» در دانش‌آموزان دبستاني دختر شهر تهران به اين نتيجه رسيد كه مهم‌ترين راهكار، استفاده از روش‌هاي غير مستقيم مثل فيلم، داستان لوح‌هاي فشرده است (طبق يافته‌هاي جمع آوري شده از 30 نفر از متخصصان تعليم و تربيت). به نظر او نزديك شدن ارتباط خانواده‌ها با مدرسه و برنامه‌ريزي آموزشي خلاقانه براي دبيران باعث تعميق باورهاي ديني دانش‌آموزان خواهد شد.

شاكري نيا (1383) نيز در مقاله‌اي با عنوان «تربيت ديني با تكيذ بر نقش مهم خانواده» به اين نتيجه رسيد كه خانواده‌هاي بدون مذهب اساساً نيازي به غني سازي پايه‌هاي اعتقادي فرزندانشان خود نمي‌بينند. اين در حالي است كه خانواده‌هاي مذهبي براي استحكام و تقويت پايه‌هاي اعتقادي فرزندان خود راه كارهائي را جست‌وجو مي‌كنند تا به اين وسيله، بخشي از حقوق فرزندان خود را تأمين كنند.

همچنين حسني (1376) در تحقيق، نظر دبيران درس ديني دوره راهنمائي شهرستان قم را در مورد ميزان انطباق محتواي كتاب‌هاي تعليمات ديني با اهداف آنها و ميزان تناسب محتواي آن‌ها با تربيت ديني دانش‌آموزان اين دوره و تاثير اين درس در تحقق اهداف عقيدتي، اجتماعي، اخلاقي و تربيتي بررسي کرده است.

// روش‌هاي تحقيق

پژوهش حاضر از نظر هدف، يك تحقيق کاربردي و از نظر شيوه جمع آوري اطلاعات، توصيفي - پيمايشي است. جامعه آماري شامل همه دبيران مدارس راهنمائي ناحيه 2 قم است كه در سال تحصيل 91 - 90 مشغول تدريس بودند. نمونه آماري شامل تعداد 60 نفر از دبيران بود كه بر اساس روش تصادفي طبقه‌اي انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوري اطلاعات، پرسش‌نامه محقق ساخته حاوي تعداد 20 مؤلفه از نوع آرايش رتبه اي و يك سؤال باز پاسخ بود كه پس از منبع شناسي و مطالعه مقاله‌هاي علمي موجود با همكاري متخصصان و صاحب نظران جمع بندي، ويرايش و اعتباريابي صوري، تنظيم شده بودند كه پايابي آن بر اساس آلفاي كرانباخ معادل 82/0 به دست آمد. براي تجزيه وتحليل اطلاعات از آمارتوصيفي براي تعيين ميانگين، انحراف استاندارد، ضريب پراكندگي و آماراستنباطي درحد آزمونZ تك گروهوي وتحليل واريانس يك راه(F) استفاده شده است.

// تجزيه و تحليل اطلاعات

جدول شماره 1 - فرضيه يك (عوامل آموزشگاهي در توسعه معنويت و ارزش‌هاي ديني دانش‌آموزان نقش مؤثري دارند.)

ردیف	گويه ها	CV	Z	SD	N
// بحث و نتيجه‌گيري					
با توجه به فلسفه مسلط اجتماعي حاكم بر جامعه اسلامي ايران، يكي از كاركردهاي اصلي آموزش و پرورش به عنوان فعاليتي مداوم، جامع و همگاني؛ رشد و تكامل انسان، غناي فرهنگ و تعالي جامعه در راستاي حفظ، انتقال، ارزش‌گذاري و توسعه فرهنگ ديني و ارزشي از طريق تربيت ديني و تحكيم آموزه‌هاي معنوي است. امري كه نه تنها به ماهيت آموزش و پرورش، منابع في(دانش و تكنولوژي)، ساختار نظام آموزشي، طبيعت فراگيري انسان، سطح رشد و توسعه، سرمايه گذاري، رفاه و عدالت اجتماعي، محيط آموزش و پرورش، عوامل اقتصادي، فرهنگي، اجتماعي بين المللي، توزيع، ضريب كوشش و نيروي انساني از جمله كميت، كيفيت، تخصص و... بستگي دارد، بلكه به عوامل فرهنگي، اقتصادي و جّو عاطفي خانواده و رسانه‌هاي ارتباط جمعي از قبيل تلويزيون، راديو و مطبوعات نيز مربوط است. به يقين، مشاركت همگاني در اين مهم، زمينه را براي داشتن انسان‌هاي سالم از نظر جسماني و رواني و ماهر، دل‌سوز و متعهد به ارزش‌هاي ديني و فرهنگي فراهم مي‌آورد و مهم‌ترين ركن توسعه پايدار و همه جانبه را كامل مي‌كند. نتايج تحقيق حاضر نشان مي‌دهد: 1. عوامل مختلف خانوادگي، آموزشگاهي و رسانه‌ها در توسعه معنويت و تحكيم ارزش‌هاي ديني و اعتقادات دانش‌آموزان تاثير دارند كه با يافته‌هاي الفته (1386) و شاكري نيا (1383) كاملاً هم‌سوست. 2. ميزان اثرگذاري عوامل خانوادگي، آموزشگاهي و رسانه اي در توسعه معنويت و ارزش‌هاي ديني دانش‌آموزان، متفاوت است و بر اساس روش‌هاي آماري، تاثير عوامل خانوادگي بيشتر از عوامل آموزشگاهي است و بيشتر از عوامل رسانه‌اي موجب تحكيم معنويت و ارزش‌هاي ديني دانش‌آموزان مي‌شود كه با يافته‌هاي حسني (1376) تا حدودي هم‌سوست. 3. از ميان عوامل خانوادگي، رشد و تقويت اعتقادات مذهبي به وسيله والدين و شكل‌گيري مناسب آموزه‌هاي ديني در دوران كودكي و نوع تربيت خانوادگي به شيوه آموزش، شيوه زندگي افراد؛ از عوامل آموزشگاهي، نوع برخورد معلمان و مديران با نوجوانان و شخصيت معلمان و دوستان و از ميان عوامل رسانه‌اي، توجه به فرهنگ خودي در برنامه‌ها و پخش سريال‌هاي ديني و تاريخي، افزايش خود باوري و اعتماد به نفس دانش‌آموزان، به ترتيب، مهم‌ترين عوامل مؤثر براي توسعه و تحكيم ارزش‌هاي ديني شناخته شدند.					
// پيشنهاده‌ا					
1. نياز سنجي واقعي در مورد تربيت اخلاقي جوانان، نوجوانان و كودكان براي طراحي، توليد و نمايش برنامه‌هاي ويژه كودكان و نوجوانان صدا و سيماي جمهوري اسلامي ايران براي دسترسي به آموزش‌هاي غير مستقيم، ضرورتي اجتناب‌ناپذير است. 2. برنامه‌ريزي و انجام تحقيقات گسترده ميداني براي آسيب شناسي مسئله باورهاي ديني از ابعاد مختلف روان‌شناختي و تربيتي در ريز موضوعات مختلف خانواده، مدرسه، رسانه ها، مؤسسات و نهادها و الگوها و دسترسي به راهكارهاي مناسب، عملي و مؤثر با مشاركت گروه‌هاي مختلف دانش‌آموزي و دانشجويان، نه تنها در تعميم دادن مسئله به جامعه تسريع كننده است، بلكه زاويه تصميم‌گيري براي بهينه سازي راهكارها را عملياتي‌تر و واقعي‌تر مي‌كند. تداوم تحقيقات كتابخانه‌اي و مبتني بر دينگاه كارشناسانه، راه كاملاً مؤثري نخواهد بود. 3. تحكيم باورهاي ديني و فرهنگ و ارزش‌هاي آنها نيازمندآموزش مستقيم و غيرمستقيم خانواده ها، مربيان وحتي مديران نهادهاي اجتماعي و فرهنگي است. برگزاري كارگاه‌هاي آموزشي و كلاس براي متوليان فرهنگ به ويژه در مورد فلسفه، ماهيت و نقش تحكيم باورهاي ديني و مهمتر از آن، روش‌هاي صحيح و مبتني بر روان‌شناسي در برخوردها با فراگيران مي‌تواند در توسعه زمينه‌هاي عملي آن بسيار مؤثر باشد. 4. تبديل كردن باورهاي ديني به يك باور عمومي در بين مربيان و مسئولان نهادهاي فرهنگي - تربيتي و التزام عملي آنان در حفظ واقعي و دلسوزانه و مبتني بر هوش هيجاني (نه وظيفه محور، اداري و مبتني بر هوش ادراكي) اين آموزه‌ها در تحكيم باورهاي ديني بسيار مؤثر خواهد بود. 5. تنوع بخشي به برنامه‌هاي فرهنگي - تربيتي واستفاده از ظرفيت‌هاي انساني آگاه به مسائل اجتماعي و جلوكيري از نگاه بخش‌گريانه و واگذاري كار تحكيم باورهاي ديني فقط به عنوان يك كار سازماني مي‌تواند راه‌گشا باشد. 6. تحكيم باورهاي ديني به عنوان يك ارزش اسلامي بايد از كانون خانواده آغاز شود. در اين زمينه، ارتقاي بينش عمومي خانواده‌ها درآثار، فوايد، فلسفه وجودي، كاركردهاي اجتماعي و تبیین آثار مخرب نبود آن در تحكيم باورهاي ديني فرزندان نقش تعيين كننده خواهد داشت. 7. پرهيز از برخورد تحكّم‌آمیز در رعايت شئون اسلامي و تكاليف شرعي به ويژه به منظور مشاركت دادن دانش‌آموزان در نمازهاي جماعت، سخنراني‌ها و مراسم و مناسبت‌هاي مذهبي اهميت بسزايي دارد. 8. بهر مگيري از معلمان با تجربه، آگاه و دل‌سوز براي تدريس دروس ديني و رفع مشكلات معيشتي و ايجاد زمينه‌هاي تحقيقاتي و مطالعاتي معلمان و مربيان آموزش و پرورش و حمايت‌هاي تشويقي (مادي و معنوي) از معلمان خلاق و مبتكر نقش مهمي دارد. 9. تأسيس و تقويت نشریات ويژه دانش‌آموزان با رويکرد ديني (به شكل نامحسوس)، تبیین و تشریح اثرات دين و دين‌داري بر رشد و پيشرفت علمي، فرهنگي، فراهم‌آوردن زمينه تعامل اوليا و مربيان در مدارس در بستر بهينه‌سازي فرايند تربيت ديني و توسعه ارزش‌هاي اخلاقي در بين دانش‌آموزان، توجه					

خاص به فضاي فرهنگي حاكم بر مدارس و نقش مؤثر اوليائي آن در معرفي الگوي رفتاري نظام مند و هماهنگ مبتني بر ارزش‌هاي اخلاقي و اسلامي، برقراري ارتباط مناسب بين مدارس و مساجد (همجوار) با اهميت است.

10. استفاده از ابزار هنر در ترويج باورهاي ديني، استفاده صحيح و مناسب از ابزار و شيوه‌هاي جديد (از جمله فيلم، انيميشن، تئاتر و...) مهم است.

// منابع

// الف) فارسي

آذر بابجاني، مسعود و سيد مهدي، موسوي اصل. (1385). درآمدي بر روان‌شناسي دين. تهران، همت.

آل اسحاق، محمد. (1369). اسلام و روان‌شناسي. قم، روح.

انگينسون و همكاران. (1383). زمينه روان‌شناسي هيلگارد. (ج 2). ترجمه: رفيعي و همكاران، تهران؛ ارجمند.

احدي، حسن و محسني، نيك‌چهر. (1372). روان‌شناسي رشد نوجواني و جواني. تهران، بنياد.

احمدي، علي‌اصغر. (1386). روان‌شناسي شخصيت از ديگاه اسلامي. تهران، امير كبير.

الفته، شهربانو. (1386). بررسي راههاي آموزش خلاق با رويکرد تعميق و تقويت باورهاي ديني (نماز) در دانش‌آموزان دبستاني دختر شهر تهران.

پايان نامه كارشناسي ارشد، علوم تربيتي، گرايش فلسفه آموزش و پرورش و تعليم و تربيت اسلامي، دانشگاه آزاد اسلامي واحد تهران مركزي.

بتيس و پلاك. (1375). انسان شناسي فرهنگي. ترجمه: محسن ثلاثي. انتشارات علمي. چاپ اول.

براندين، ناتانيل. (1379). روان‌شناسي عزت نفس. ترجمه: مهدي قراچه داغي. تهران، نخستين.

بيستاني، محمود. (1373). اسلام و روان‌شناسي، ترجمه: محمود هويشم، مشهد، آستان قدس رضوي.

بهشتي، احمد. (1362). مباني تربيت بدني در اسلام. تهران، آموزش و پرورش.

بياتي، احمد. (1378) روش‌هاي تحقيق و سنجش در علوم تربيتي و روان‌شناسي. تهران، رهيافت.

پاشا شريفي، حسن. (1377). اصول روان‌سنجي و روان آزمايي. تهران، رشد.

تيمور پور، غلامحسين. (1383). اسلام و روان‌كاوي. مشهد، صالح.

جوادي آملی، عبدالله. (1372). انسان در قرآن. تهران، مركز نشر فرهنگي رجا.

حائري تهري، مهدي. (1378). شخصيت انسان از نظر قرآن و عترت. تهران، بنياد فرهنگي امام مهدي.

حسني، سيدجواد. (1376). بررسي ميزان انطباق محتوا با اهداف كتاب‌هاي تعليمات ديني دوره راهنمايي تحصيلي سال 75 - 76 در شهرستان قم.

كارشناسي ارشد علوم تربيتي مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني رحمه الله

حسيني، ابو القاسم. (1373). بررسي مقدماتي اصول روان‌شناسي اسلام. (ج 1). تهران، فرهنگ اسلامي.

حسيني، ابو القاسم. (1377). روان‌شناسي اسلامي براي دانشجويان. مشهد، دانشگاه علوم پز شي.

حق‌جو، محمدحسين. (1374). روان‌شناسي اسلامي. تهران، المهدي.

داوودي، محمد. (1385). نقش معلم در تربيت ديني. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

رحماندوست، مصطفي. (1371). تحليلي بر وضعيت تربيت ديني معاصر ايران. همایش جايشگاه تربيت در آموزش و پرورش.

رحيمي، مرتضي. (1356). روان‌شناسي در خدمت هنر. تهران، رز.

رضايپور، علي. (1384). كند و كاوي در ارزش‌ها و اعتقادات مذهبي نوجوانان. فصلنامه دانشكده ادبيات و علوم انساني دانشگاه تبريز، ش 183 و 184.

سداني، علي. (1374). ويژگي‌هاي دبیر ديني مطلوب و نقش او در شكل‌گيري هويت ديني دانش‌آموزان. (ج 2). مجموعه مقالات چهارمين سمپوزيوم جايشگاه تربيت، نقش تربيتي معلم، تهران: انتشارات تربيت.

سالاري‌فر، محمدرضا، مسعود، آذربايجاني و عباس رحيمي نژاد. (1384). مباني نظري مقياس هاي ديني. قم، پژوهشگاه حوزه ودانشگاه دفتر طرحهاي ملي وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي.

سراط زاده، حسن. (1387). باورهاي ديني در ميان جوانان و نوجوانان. مجله فرهنگ پژوهش، ش 169.

سرمدي، محمود. (1385). بررسي رابطه بين دينداري با بازده‌هاي تربيتي دانش‌آموزان متوسطه. فصلنامه پژوهش‌هاي تربيت اسلامي، سال دوم، ش 2، صص 57 - 85.

شاملو، سعيد. (1384). بهداشت رواني. تهران، انتشارات چهر.

شعاري نژاد، علي‌اكبر. (1386). روان‌شناسي رشد (1). تهران. انتشارات دانشگاه پيام نور.

شكوهي، غلامحسين. (1374). تعليم و تربيت (كانت). تهران. انتشارات دانشگاه تهران. چاپ چهاردهم.

صانعي، مهدي. (1383). بهداشت روان در اسلام. قم. بوستان كتاب.

عظيمي، سيروس. (۱۳۶۹). روان‌شناسي كودك. تهران. انتشارات معرفت.

غياري بناب، باقر. (1374). باورهاي مذهبي و اثرات آنها در بهداشت روان. فصلنامه اندیشه و رفتار، ش 4.

قائمي، علي. (1380). روزآمد كردن تربيت. ماهنامه پيوند. بهمن 1380. صص 36 - 39.

كاوياني، م. (1376). آثار رواني - اجتماعي خداياوري. فصلنامه حوزه و دانشگاه، ش 13.

كي‌نيا، مهدي. (1357). مباني جرم‌شناسي. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

گنجي، حمزه. (1376). بهداشت رواني. تهران، ارس‌ياران.

مجلسي، محمدباقر. (1372). بحار الانوار. (ج 2). تهران. اسلاميه.

مطهري، مرتضي. (۱۳۶۷). امداهاي غيبي در زندگي بشر. تهران. صدرا.

ميلاني‌فر، بهروز. (1384). بهداشت رواني. تهران. توسل.

نهج البلاغه، ترجمه و شرح: سيد علي‌نقي فيض‌الاسلام، تهران. انتشارات فيض الاسلام.

واعظي، احمد. (1384). انسان از ديگاه اسلام. (ج 1). تهران، سمت.

ورنر، سوريين و جيمز تانكارد. (1381). نظريه‌هاي ارتباطات. ترجمه: علي‌رضا دهقان. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

هيك، جان. (1372). فلسفه دين. ترجمه: بهرام راد. قم. الهدي. چاپ اول.

// ب) لاتين

Moore, A. Carrier. (2002) Faith Does affects behavior, Religion & ethics, desert news

Smith, Christian. (2004) National study of youth and Religion, university of north California, chapter Hill. WWW. Youth and religion. Org

Hall: 2000, p 148 - Social Psychology; tenth ed. Prentice

مقاله هاي تاليفي

فصلنامه علمي - تخصصي كودك، نوجوان و رسانه

سال دوم، شماره دوم، زمستان 1391

صفحات 71 - 97